

استراتژی تجاری شرکت و کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی در چارچوب نظریه رقابت (شواهد تجربی: بورس اوراق بهادار تهران)

الهه مهدوی ثابت

دانشجوی دکتری تخصصی رشته حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حمیدرضا وکیلی فرد

دانشیار و عضو هیات علمی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

احمد یعقوب نژاد

دانشیار و عضو هیات علمی، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۶/۲۹

چکیده

هدف اصلی در پژوهش حاضر بررسی تجربی و تعیین میزان تاثیر استراتژی تجاری فرصت طلبانه بر کیفیت حسابرسی در چارچوب نظریه رقابت و نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک است. جامعه آماری در پژوهش حاضر بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که تعداد ۷۵ شرکت از این جامعه در دوره زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۷ به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است. به منظور انجام تحلیل‌های آماری در پژوهش حاضر از روش رگرسیون خطی چندگانه به روش حداقل مربعات (LS) با رویکرد پانل-اثرات ثابت استفاده شده است. به منظور اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، از معیار اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل‌های کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، جونز (۱۹۹۱)، اسلوان و همکاران (۱۹۹۵) و کازنیک (۱۹۹۹)، استفاده شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که متغیر مصنوعی استراتژی تجاری فرصت طلبانه، بطور مثبت و معنی‌داری با معیارهای اقلام تعهدی اختیاری در ارتباط می‌باشد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت طلبانه، کمتر از سایر شرکت‌ها است. یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر برای نخستین بار شواهدی را پیرامون ارتباط تجربی میان استراتژی تجاری شرکت و کیفیت حسابرسی، فراهم نموده است. از این رو یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند در زمینه قانون‌گذاری در حرفه حسابرسی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، اقلام تعهدی اختیاری، استراتژی تجاری فرصت طلبانه، نظریه رقابت، نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک.

۱- مقدمه

در پژوهش حاضر به بررسی تجربی تاثیر استراتژی تجاری فرصت طلبانه بر کیفیت حسابرسی در ارتباط با ۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (TSE) در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۷ هجری شمسی پرداخته شده است. کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی دارای تاثیر ویژه‌ای بر منافع ذینفعان است. از این رو شناسایی عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی حائز اهمیت ویژه می‌باشد. پژوهش‌های قبلی انجام شده در حوزه حسابرسی بیشتر به بررسی تاثیر ویژگی‌های خاص حسابرسان نظیر اندازه حسابرسان و نوع حسابرسان بر کیفیت حسابرسی پرداخته‌اند (دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ دهکردی و مکارم، ۲۰۱۱؛ چن و همکاران، ۲۰۱۱؛ لارنس و همکاران، ۲۰۱۱) و در این راستا به نقش استراتژی تجاری شرکت توجهی نکرده‌اند. از اینرو در پژوهش حاضر برای نخستین بار شواهدی به لحاظ تجربی پیرامون موضوع فوق فراهم می‌گردد.

کیفیت حسابرسی نشان دهنده میزان دقت اطلاعات حسابرسی شده توسط یک حسابرسان مشخص می‌باشد. طبق تعریف ارائه شده در خصوص کیفیت حسابرسی، هرچه میزان تحریف اطلاعات حسابداری (بعد از حسابرسی)، کمتر باشد، می‌توان چنین استنباط نمود که کیفیت حسابرسی بالاتر بوده است (دی آنجلو، ۱۹۸۱). طبق استدلال‌های ارائه شده در پژوهش‌های قبلی، و همچنین طبق نظریه رقابت، و نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک، یکی از عواملی که می‌تواند کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی یک شرکت را تحت تاثیر قرار دهد، استراتژی تجاری آن شرکت در عرصه رقابت می‌باشد. استراتژی تجاری شرکت، راهبردی است که یک شرکت به منظور تنظیم فعالیت‌های تجاری خود انتخاب می‌کند. استراتژی تجاری یک شرکت را می‌توان به دو گروه کلی فرصت طلبانه و تدافعی تقسیم نمود، در استراتژی تجاری فرصت طلبانه، شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق فعالیت‌های تحقیق و توسعه و بازاریابی، سودآوری و میزان سهم بازار خود را توسعه دهند. در مقابل در استراتژی تجاری تدافعی شرکت‌ها تلاش چندانی برای توسعه بازار محصول و افزایش سودآوری خود انجام نمی‌دهند (بنتلی و همکاران، ۲۰۱۳).

به لحاظ تجربی، مشخص نیست که استراتژی تجاری شرکت، چه نوع ارتباطی با عملیات حسابرسی دارد، زیرا ویژگی‌های موجود در هر استراتژی تجاری (مانند میزان ریسک‌های تجاری ناشی از هر استراتژی)، تاثیر متفاوتی بر تصمیمات حسابرسان و عملیات حسابرسی دارد، زیرا ریسک‌های تجاری مستتر در استراتژی‌های تجاری، با یکدیگر متفاوت است. پژوهش‌های قبلی نشان داده‌اند که حسابرسان به پیروی از نظریه

حسابرسی مبتنی بر ریسک، تاثیر ریسک تجاری صاحبکار را بر کسب و کار خود و همچنین در ریسک حسابرسی لحاظ می‌کنند (جان استون، ۲۰۰۰). بطور ویژه بنتلی و همکاران (۲۰۱۳)، به پیروی از نظریه رقابت، چنین استدلال می‌کنند که شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت طلبانه در عرصه رقابت، از کیفیت حسابرسی کمتری برخوردار هستند. زیرا این شرکت‌ها با مخارج تحقیق و توسعه و بازاریابی مواجه هستند که این اقدام اختیاری بوده و این انگیزه را در مدیریت ایجاد می‌کند تا اقدام به مدیریت سود نمایند. با توجه به استدلال‌های نظری فوق می‌توان چنین استدلال نمود که کیفیت حسابرسی شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت طلبانه، کمتر از سایر شرکت‌ها (شرکت‌های دارای استراتژی تدافعی)، می‌باشد. با توجه به این استدلال، پرسش پژوهش حاضر این است که آیا به لحاظ تجربی، کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت طلبانه کمتر از سایر شرکت‌ها است یا خیر.

به لحاظ نظری پرسش پژوهش حاضر با نظریه رقابت و نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک مرتبط می‌باشد. نظریه رقابت بیان می‌کند که شرکت‌ها به منظور افزایش سودآوری و ارزش آفرینی، و همچنین به منظور بهبود رشد آتی خود، استراتژی تجاری خاصی را در عرصه رقابت تجاری انتخاب نموده و بر اساس آن فعالیت می‌کنند و هر استراتژی از ویژگی‌های خاص خود (نظیر تاثیر بر کیفیت اطلاعات حسابداری و غیره) برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر طبق مبانی مطروحه در حسابرسی مبتنی بر ریسک، لازم است تا حسابرسان در فرآیند حسابرسی صورت‌های مالی، به استراتژی تجاری شرکت‌های صاحبکار توجه نمایند و بر این اساس عملیات حسابرسی خود را تنظیم کنند. از این رو نظریه رقابت و نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک، ارتباط معنی‌داری را میان استراتژی تجاری شرکت و کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی شرکت، مورد پیش‌بینی قرار می‌دهند. لذا بررسی تجربی ارتباط میان استراتژی تجاری شرکت با کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی را می‌توان به نظریه رقابت و همچنین نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک نسبت داد.

پژوهش حاضر دارای دستاوردهای مختلفی می‌باشد. نخست، یافته‌های پژوهش حاضر برای نخستین بار شواهدی را پیرامون تاثیر استراتژی فرصت طلبانه شرکت بر کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران فراهم می‌نماید. دوم، یافته‌های پژوهش حاضر نخستین شواهد تجربی را پیرامون استدلال‌های مطروحه در نظریه رقابت و نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک را در محیط پژوهشی ایران فراهم می‌نماید. سوم، یافته‌های پژوهش حاضر به حسابرسان کمک می‌کند تا در برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی خود به نوع

فعالیت‌های تجاری خود انتخاب می‌کند. استراتژی تجاری یک شرکت می‌تواند از نوع فرصت‌طلبانه یا تدافعی باشد. فرصت‌طلبان (پیشگامان)^۱ شرکت‌های نوآور هستند که به دنبال محصولات جدید و بهره‌گیری از فرصت‌های بازار هستند؛ همچنین دامنه محصول وسیعی دارند و به تغییر سریع ترکیب محصولات خود جهت رهبر شدن در بازار جذاب تمایل دارند. فرصت‌طلبان بخش بزرگی از بودجه خود را به تحقیق و توسعه (R&D) و بازاریابی اختصاص می‌دهند. صرف هزینه‌های بالا بر روی تحقیق و توسعه (R&D) این امکان را برای فرصت‌طلبان فراهم می‌کند که به سرعت به تغییرات پاسخ دهند و وارد بازارهای جدید شوند. فرصت‌طلبان انعطاف‌پذیری خود را حفظ و از سرمایه‌گذاری در فناوری به شدت مکانیزه شده که تنها می‌تواند برای تولید نوع خاصی از محصول استفاده شود خودداری می‌کنند. این امر به فرصت‌طلبان اجازه می‌دهد که به سرعت به تغییرات بازار پاسخ دهند، ولی مانع از این نیز می‌شود که به کارایی در فعالیت‌های تولید و توزیع خود برسند. از آنجا که فرصت‌طلبان روی شناسایی بازارهای جدید جهت ورود بجای نفوذ آرام در بازارهای فعلی تمرکز می‌کنند، رشد آنها اغلب پراکنده است. در نهایت، از آنجا که فرصت‌طلبان عملیات گوناگونی دارند، کنترل اغلب به صورت غیرمتمرکز انجام می‌شود (مایلز و اسنو، ۱۹۷۸ و ۲۰۰۳)، و به این ترتیب منجر به افزایش پیچیدگی و ریسک‌های فرآیندهای عملیاتی می‌شود. از سوی دیگر، مدافعان^۲، روی کارایی در تولید و توزیع کالاها و خدمات تمرکز می‌کنند، ترکیب محصولات یا خدمات محدودی دارند و روی کسب مزیت رقابتی در بازار فشرده خود تمرکز می‌کنند. این شرکت‌ها ممکن است محصولات مختلفی تولید کنند، ولی به احتمال مرتبط خواهند بود. مدافعان سرمایه‌گذاری بسیاری در فناوری می‌کنند که خود منجر به بهبود کارایی می‌شود. به علاوه، شرکت‌های مدافع هزینه چندانی صرف تحقیق و توسعه یا بازاریابی نمی‌کنند و قابلیت خود در توسعه محصولات جدید را محدود می‌کنند. از آنجا که مدافعان به دنبال ورود به بازارهای جدید نیستند بلکه در عوض بر نفوذ تدریجی در یک بازار تمرکز می‌کنند، رشد آرام ولی تدریجی و نوسان عملکرد پایینی از خود نشان می‌دهند. مدافعان اغلب سیستم‌های کنترل متمرکز قوی جهت ارتقای تولید و توزیع کارا دارند. در نهایت، مدافعان اغلب دوره استخدام طولانی دارند و از داخل شرکت‌های خود ارتقا می‌یابند (مایلز و اسنو، ۱۹۷۸ و ۲۰۰۳).

استراتژی تجاری شرکت‌های صاحبکار توجه نمایند، از این رو این یافته‌ها می‌تواند در حوزه قانون‌گذاری در حرفه حسابرسی مورد استفاده قرار گیرد. چهارم، یافته‌های پژوهش حاضر به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان کمک می‌کند تا بتوانند از طریق توجه به استراتژی تجاری شرکت‌ها، کیفیت اطلاعات حسابداری آنها را مورد برآورد قرار دهند.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- کیفیت حسابرسی

کیفیت حسابرسی، نشان دهنده میزان دقت اطلاعات حسابداری رسیدگی شده توسط حسابرس مستقل می‌باشد. به عنوان نمونه هرچه میزان تحریف اطلاعات حسابداری (بعد از حسابرسی) کمتر باشد، می‌توان چنین استنباط نمود که کیفیت حسابرسی بالاتر بوده است. دی آنجلو (۱۹۸۱) بیان می‌کند که کیفیت حسابرسی معرف توانایی حسابرس در کشف و گزارش تحریف‌های صورت‌های مالی صاحبکار می‌باشد. احتمال اینکه حسابرس تحریف‌های با اهمیت را کشف کند، به شایستگی حسابرس و احتمال این که حسابرس تحریف‌های با اهمیت کشف شده را گزارش کند، به عنوان استقلال حسابرس تعبیر شده است. در این تعریف، کشف نقص، کیفیت حسابرسی را در قالب دانش و توانایی حسابرس اندازه‌گیری می‌کند، در حالی که گزارش آن بستگی به انگیزه‌های حسابرس برای افشاگری دارد. از نظر وی کیفیت حسابرسی تابعی از ویژگی‌های فردی حسابرس مستقل نظیر اندازه موسسه حسابرسی می‌باشد.

۲-۲- استراتژی تجاری شرکت

نیاز به داشتن تفکر استراتژیک برای شرکت‌ها با شکل‌گیری رقابت ایجاد شده است. اگر رقابتی وجود نداشته باشد، نیازی به اولویت دادن به استراتژی هم وجود نخواهد داشت. یکی از نظریات رقابت‌محور استراتژی تجاری تعارض استراتژیک است. رویکرد تعارض استراتژیک، استراتژی‌های پورتر را تکمیل می‌کند و توانایی یک شرکت در کنترل ماهرانه محیط بازار خود را شناسایی می‌کند بنابراین چشم‌انداز رقابتی آن را بهبود می‌بخشد. تعارض استراتژیک می‌تواند با استفاده از اساس نظری مفهوم بازی به شرکت‌ها کمک کند تا جایگاه مطلوبی را در صنعت خود شناسایی و پیگیری کنند. شرکت‌ها درحالی‌که اقدامات خود را انجام می‌دهند، اقداماتی که باوردارند رقبای آنها انجام خواهند داد را نیز پیش‌بینی می‌کنند. از اینرو استراتژی تجاری یک شرکت، روشی است که شرکت به منظور انجام

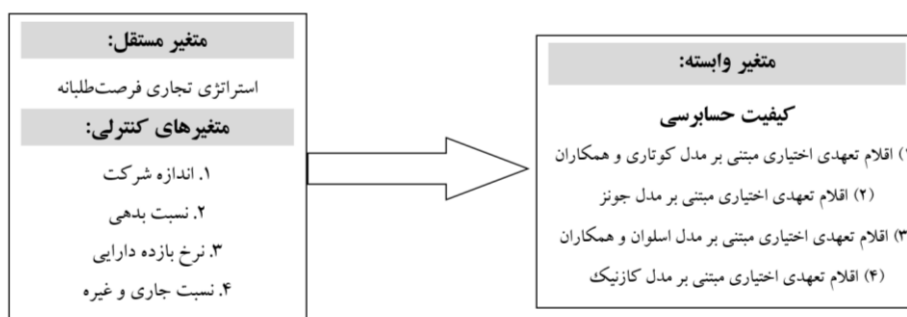
² Defenders

¹ Prospectors

۲-۳- ارتباط نظری میان استراتژی تجاری شرکت با کیفیت حسابداری

را در مدیریت ایجاد می‌کند تا اقدام به مدیریت سود نمایند. شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، همچنین به دلیل وجود نوسان در عملکرد مالی خود تمایل بیشتری به دستکاری اطلاعات حسابداری دارند تا بدین ترتیب نوسانات عملکردی خود را پوشش دهند. با توجه به استدلال‌های نظری فوق می‌توان چنین استدلال نمود که کیفیت حسابداری شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، کمتر از سایر شرکت‌ها (شرکت‌های دارای استراتژی تدافعی)، می‌باشد. با توجه به استدلال نظری فوق، مدل مفهومی پژوهش حاضر که نشان دهنده ارتباط میان متغیرهای پژوهش است به شرح زیر می‌باشد.

در شرایط کنونی حسابرسان به پیروی از نظریه حسابداری مبتنی بر ریسک، تاثیر ریسک تجاری صاحبکار را در فعالیت خود و برآورد خطر حسابداری لحاظ می‌کنند (جان استون، ۲۰۰۰). همچنین بنتلی و همکاران (۲۰۱۳)، به پیروی از نظریه رقابت، چنین استدلال می‌کنند که شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه در عرصه رقابت، از کیفیت حسابداری کمتری برخوردار هستند، زیرا این شرکت‌ها با مخارج تحقیق و توسعه و بازاریابی مواجه هستند که این اقدام اختیاری بوده و این انگیزه



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

پژوهش نشان داد که شرکت‌های مصری که بطور ناکارآمد عمل می‌کنند در مقایسه با شرکت‌هایی که عملیات آنها با کارایی همراه است، دارای اقلام تعهدی اختیاری مثبت و بسیار بزرگتری هستند. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که عملکرد ناکارآمدی دارند از شیوه‌های مدیریت سودی استفاده می‌کنند که متحمل‌ترین سازوکار آن افزایش فرصت‌طلبانه در سود گزارش شده آنها است. بطور کلی یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد عاملی تعیین‌کننده برای مدیریت سود است.

افیانگ و همکاران (۲۰۲۰)، به بررسی میزان تاثیر اقلام تعهدی اختیاری ایجاد شده توسط مدیریت بر وضعیت تداوم فعالیت شرکت‌های تولیدی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها مشخص نمود که اقلام تعهدی اختیاری تاثیرات مثبت و منفی معنی‌داری هم بر وضعیت نقدینگی و هم بر سطح سودآوری شرکت‌های مورد مطالعه داشته است و بنابراین بر وضعیت تداوم فعالیت شرکت‌های تولیدی تاثیرگذار است.

سوکما و برناتی (۲۰۱۹)، به بررسی تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که از میان چهار ویژگی کمیته حسابرسی (اندازه، تعداد جلسات، سوابق تحصیلی و تجربه اعضا)، تنها اندازه و تجربه تاثیر معنی‌داری بر کیفیت حسابداری دارند و تعداد جلسات و

۲-۴- پیشینه مطالعات انجام شده

۲-۴-۱- پیشینه پژوهش‌های خارجی انجام شده

ویجایا (۲۰۲۰)، تاثیر کیفیت حسابداری بر ارزش شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بازار سهام اندونزی در میان سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۷ را مورد مطالعه قرار داد. نتایج پژوهش بیانگر این موضوع است که کیفیت حسابداری تاثیر مثبتی بر ارزش شرکت‌های مذکور دارد. به عبارت دیگر شرکت‌هایی که حسابداری باکیفیت‌تری داشته باشند در بازار سهام اندونزی ارزش سهام بالاتری خواهند داشت. لذا انتظار می‌رود تا حسابداری باکیفیت‌تر کاهش هزینه نمایندگی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش ارزش سهام شرکت را در پی داشته باشد.

آنتون و کارپ (۲۰۲۰)، تاثیر اقلام تعهدی اختیاری بر رشد شرکت‌ها را با توجه به خصوصیات آنها و محیط اقتصاد کلانی که در آن فعالیت می‌کنند، مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج تجربی حاصل از پژوهش آنان نشان داد که اقلام تعهدی اختیاری که به عنوان ابزارهای مدیریت سود استفاده می‌شوند، تاثیری منفی بر رشد شرکت‌ها و عملکرد آتی آنها دارند.

مصطفی (۲۰۲۰)، در پژوهشی به بررسی مدیریت سود براساس عملکرد کلی شرکت‌ها در کشور مصر پرداخت. نتایج

مواجهه با بی‌نظمی‌ها در گزارشگری مالی رفتار متفاوتی از خود بروز می‌دهند و آیا استراتژی‌های تجاری مختلف این شرکت‌ها می‌توانند در تلاش حسابرسی مورد نیاز برای تایید صورت‌های مالی آن‌ها نقش تعیین کننده داشته باشند یا خیر. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌های پیشگام (فرصت‌طلب) ریسک بی‌نظمی در گزارشگری مالی بالاتری دارند و بیشتر درگیر آن می‌شوند، همچنین حسابرسان حق‌الزحمه‌های بالاتری را از شرکت‌های پیروی‌کننده استراتژی فرصت‌طلبانه در مقایسه با شرکت‌های پیروی‌کننده از استراتژی مدافع دریافت می‌کنند.

عبدالقادر و همکاران (۲۰۱۱)، با بررسی تعیین اینکه آیا دو متغیر اندازه موسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی می‌تواند متغیرهای مناسبی برای کیفیت حسابرسی باشد، به این نتیجه رسیدند که اگرچه دوره تصدی حسابرسی متغیر مناسبی جهت کیفیت حسابرسی است، اما اندازه موسسه حسابرسی تاثیر قابل ملاحظه‌ای در تعیین کیفیت حسابرسی ندارد.

۲-۴-۲- پیشینه پژوهش‌های داخلی انجام شده

حاجیها (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان «راهبرد تجاری، ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی و تاخیر انتشار گزارش حسابرسی»، نظریه سازمانی را روی ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۱ مورد آزمون تجربی قرار داد. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌های دارای راهبرد تجاری اکتشافی ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی در گزارش حسابرسی دارند، اما شرکت‌های با راهبرد تدافعی کمتر ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی دارند. با این حال در شرکت‌های اکتشافی تاخیر در گزارش حسابرسی کمتر از شرکت‌های تدافعی است.

پزشکیان و حسینی (۱۳۹۶)، به بررسی رابطه مدت تصدی حسابرسی با کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که بین کیفیت حسابرسی و دو متغیر دوره تصدی حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی، رابطه معناداری وجود دارد، اما اندازه موسسه حسابرسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی را افزایش نمی‌دهد.

شمس‌زاده، سیف و داودآبادی فراهانی (۱۳۹۵)، به بررسی رابطه بین ویژگی‌های موسسه حسابرسی و شرکاء حسابرسی با کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین تخصص موسسه حسابرسی و تجربه شرکاء با کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، همچنین بین اندازه موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

سوابق تحصیلی تاثیر معناداری بر کیفیت حسابرسی ندارند. به عبارت دیگر با توجه به سوابق تحصیلی اعضای کمیته حسابرسی نمی‌توان وجود قابلیت‌های لازم در اعضاء را تضمین نمود.

چن و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان «استراتژی حسابرسی و گزارشگری حسابرسی»، مستقیماً اثرات استراتژی تجاری بر گزارشگری حسابرسی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های استفاده کننده از استراتژی فرصت‌طلبانه (نوآورانه) در مقایسه با شرکت‌های استفاده کننده از استراتژی مدافع (رهبری هزینه) احتمال بیشتری دارد که هم نظر ابهام درباره تداوم فعالیت و هم نظر ضعف بااهمیت را دریافت کنند، و در نهایت شواهد آنها نشان داد که استراتژی تجاری عامل تعیین کننده قابل ملاحظه در گزارشگری هردو حالت ابهام درباره تداوم فعالیت و ضعف بااهمیت است.

بنتلی و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی این موضوع را بررسی نمودند که آیا استراتژی تجاری یک شرکت یک عامل تعیین کننده بنیادی برای نشان دادن قدرت کنترل‌های داخلی آن بر گزارشگری مالی و کیفیت گزارشگری کنترل‌های داخلی حسابرسان است یا خیر. نتایج حاکی از آن بود که شرکت‌هایی با ویژگی‌های نزدیک به استراتژی فرصت‌طلبانه احتمال بیشتری برای گزارش ضعف‌های اصلی و احتمال کمتری برای رفع آنها دارند که باعث افزایش تدریجی عوامل تعیین کننده ضعف‌های اساسی می‌شود. همچنین کیفیت گزارشگری کنترل‌های داخلی حسابرسان در بین مشتریانی با ویژگی‌های نزدیک به استراتژی فرصت‌طلبانه، زمانیکه با استفاده از گزارش به موقع ضعف‌های اساسی ارزیابی می‌شود، کمتر است. یافته‌های آنها نشان داد که استراتژی تجاری نشانگر مختصر و مفیدی برای ارزیابی قدرت کنترل‌های داخلی شرکت‌ها است و پیشنهاد می‌کنند که گزارشگری کنترل‌های داخلی، یک حوزه مهم برای بهبود کیفیت حسابرسی در بین مشتریانی با استراتژی‌های فرصت‌طلبانه بشمار می‌رود.

تسیپوریدو و اسپاتیس (۲۰۱۴)، در پژوهشی ارتباط بین اظهارنظر حسابرسی و مدیریت سود را به عنوان مبنایی برای ارقام تعهدی اختیاری، برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار آتن بررسی کردند. نتایج نشان داد که مدیریت سود با اظهارنظرهای حسابرسی رابطه ندارد و ویژگی‌های مالی شرکت‌ها و اندازه، عامل تعیین کننده‌ای برای تصمیم‌گیری حسابرسان از تداوم فعالیت است.

بنتلی و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی تحت عنوان «استراتژی تجاری و بی‌نظمی در گزارشگری مالی و تلاش‌های حسابرسی» به بررسی این موضوع پرداختند که آیا شرکت‌هایی که استراتژی‌های تجاری مختلف را دنبال می‌کنند در هنگام

حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی، زمان حسابرسی، تجربه حسابرس، تعداد حسابرسان، مصالحه با مدیران و نقش نمایندگی مدیران رابطه معنی داری وجود دارد.

۳- تدوین فرضیه‌های پژوهش

با توجه به استدلال نظری پژوهش حاضر پیرامون ارتباط میان استراتژی تجاری شرکت و کیفیت حسابرسی که در بخش‌های قبلی مطرح گردید، فرضیه پژوهش حاضر به شرح زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اصلی پژوهش

"با فرض ثابت بودن سایر شرایط، کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، کمتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد."

فرضیه‌های فرعی

(۱) "با فرض ثابت بودن سایر شرایط، اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، بیشتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد."

(۲) "با فرض ثابت بودن سایر شرایط، اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل جونز (۱۹۹۱)، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، بیشتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد."

(۳) "با فرض ثابت بودن سایر شرایط، اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل اسلوان و همکاران (۱۹۹۵)، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، بیشتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد."

(۴) "با فرض ثابت بودن سایر شرایط، اقلام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کازنیک (۱۹۹۹)، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، بیشتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد."

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف یک پژوهش کاربردی است زیرا نتایج حاصل از آن توسط نهادهای قانون‌گذار در حرفه حسابداری (مانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار تهران) مورد استفاده قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر همچنین از نظر ماهیت یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. در پژوهش حاضر به منظور گردآوری اطلاعات از اسناد و مدارک مربوط به اعضای نمونه شامل: مجموعه صورت‌های مالی آنها (صورت‌های مالی اساسی و یادداشت‌های توضیحی) استفاده شده است.

در این پژوهش رابطه معناداری بین سابقه موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی یافت نشد.

اورادی، نصیرزاده و حصارزاده (۱۳۹۵)، به بررسی تاثیر رقابت در بازار حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون غیرخطی لججیت، نشان از آن دارد که بین شاخص‌های رقابت در بازار حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد.

بنی مهد، دیانتی دیلمی و روستایی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین استراتژی تجاری شرکت و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مستقیماً اثرات استراتژی تجاری بر سطح اجتناب مالیاتی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که به دنبال حداقل کردن هزینه‌ها هستند، نسبت به شرکت‌هایی که به دنبال فرصت رشد بیشتر و نوآوری در تولید هستند، از اجتناب مالیاتی پایین‌تری برخوردارند.

بنی مهد، حساس یگانه و یزدانیا (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه میان مدیریت سود و اظهارنظر حسابرسان بخش خصوصی پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مدیریت سود، اندازه شرکت، سودآوری، نسبت بدهی، حق‌الزحمه حسابرسی و مالکیت دولتی با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه معنی دار دارند. همچنین یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که پیچیدگی شرکت، تغییر حسابرس و تغییر مدیریت با تعداد بندهای حسابرسی قبل از بند اظهارنظر رابطه‌ای معنی دار ندارند. شواهد پژوهش فوق بر این نکته تاکید دارد که رابطه مستقیم میان مدیریت سود و تعداد بندهای حسابرسی می‌تواند ناشی از افزایش کیفیت حسابرسی در بخش خصوصی باشد.

سلطانیان، مرادی و جباری (۱۳۹۳)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در حالت کلی بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه معنی - داری وجود ندارد، اما در صورت تفکیک حق‌الزحمه غیرعادی به دو حالت حق‌الزحمه غیرعادی با علامت مثبت و علامت منفی، وجود رابطه معنی دار و مستقیم بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با علامت مثبت و کیفیت حسابرسی مورد تایید قرار گرفت.

فرجی‌امیری، هاشمی و امینی‌مهر (۱۳۹۳)، به مطالعه تاثیر رقابت حق‌الزحمه حسابرسی مستقل بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی در بخش خصوصی و دولتی پرداخت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین حق‌الزحمه حسابرسی و کیفیت

مصنوعی استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه شرکت بر معیارهای کیفیت حسابرسی می‌باشد. چنانچه پس از برآورد این مدل، β_1 مثبت و معنی‌دار باشد، شواهدی مبنی بر تاثیر مستقیم متغیر مستقل استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه شرکت بر معیارهای اقلام تعهدی اختیاری، و همچنین شواهدی مبنی بر تاثیر معکوس (کاهنده) استراتژی فرصت‌طلبانه شرکت بر کیفیت حسابرسی بدست خواهد آمد، و فرضیه پژوهش تایید خواهد شد.

رابطه (۱):

$$AQ = f(\text{STR, SIZE, CASH, LEV, ROA, OCF, CURR, MB, TIML, SG, SALEVOL, CFVOL, AGE, LOSS})$$

با توجه به رابطه فوق که نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی شرکت تحت تاثیر استراتژی شرکت و سایر عوامل تعیین کننده کیفیت حسابرسی قرار دارد، مدل رگرسیون پژوهش حاضر به شرح زیر تدوین می‌گردد:

رابطه (۲):

$$AQ_{i,t} = a + \beta_1 \text{STR}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{CASH}_{i,t} + \beta_4 \text{LEV}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{OCF}_{i,t} + \beta_7 \text{CURR}_{i,t} + \beta_8 \text{MB}_{i,t} + \beta_9 \text{TIML}_{i,t} + \beta_{10} \text{SG}_{i,t} + \beta_{11} \text{SALEVOL}_{i,t} + \beta_{12} \text{CFVOL}_{i,t} + \beta_{13} \text{AGE}_{i,t} + \beta_{14} \text{LOSS}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

۴-۳- متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آنها

طبقه‌بندی و تعریف عملیاتی متغیرها (نحوه اندازه‌گیری متغیرها) در پژوهش حاضر به شرح جدول ۱ می‌باشد.

همچنین لازم به توضیح است که این اطلاعات نیز از طریق پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و سامانه کدال استخراج شده‌اند.

۴-۱- جامعه و نمونه پژوهش

در پژوهش حاضر برای انجام نمونه‌گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بدین ترتیب که با در نظر گرفتن جامعه آماری (تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تا سال ۱۳۹۷) و معیارهای به شرح زیر اقدام به انتخاب نمونه شده است که از میان جامعه آماری ۷۵ شرکت تمام معیارهای مذکور را احراز کرده‌اند و لذا از آنها به عنوان نمونه در پژوهش حاضر استفاده شده است. معیارهای مورد استفاده به منظور انتخاب نمونه از جامعه آماری به شرح زیر می‌باشد:

۱) شرکت‌هایی که در بازه زمانی پژوهش (سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۷) در بورس اوراق بهادار حضور داشته باشند. با توجه به اینکه برخی از متغیرهای پژوهش به شیوه غلتان مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرند از این رو بازه زمانی موثر پژوهش (بازه زمانی مورد استفاده در راستای برآورد مدل‌های رگرسیون پژوهش)، از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۷ (۹ سال) می‌باشد.

۲) شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.

۳) شرکت‌هایی که جزء شرکت‌های لیزینگ و واسطه‌گری مالی نباشند.

۴) اطلاعات لازم در خصوص آنها در بازه زمانی پژوهش (سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۷) در دسترس باشد.

شرکت‌هایی که معیارهای مذکور را لحاظ نکنند بصورت سیستماتیک حذف می‌شوند یعنی از انتخاب آنها به عنوان نمونه صرفنظر خواهد شد.

۴-۲- مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

به منظور انجام آزمون‌های تجربی در پژوهش حاضر از روش رگرسیون چندگانه (روش حداقل مربعات یا LS) استفاده خواهد شد که علت استفاده از این روش ماهیت کمی و پیوسته متغیر وابسته پژوهش (کیفیت حسابرسی) می‌باشد. متغیر وابسته پژوهش حاضر (کیفیت حسابرسی یا AQ)، یک متغیر کمی پیوسته می‌باشد، که بر اساس اقلام تعهدی اختیاری (مبتنی بر مدل‌های: کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵؛ جونز، ۱۹۹۱؛ اسلوان و همکاران، ۱۹۹۵؛ و کازنیک، ۱۹۹۹)، مورد اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. در رابطه ۲، پارامتر β_1 نشان دهنده تاثیر متغیر

جدول ۱: طبقه‌بندی و تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

تعریف عملیاتی	نوع متغیر	نماد	متغیر
برابر است با ارقام تعهدی اختیاری شرکت در دوره جاری که بر اساس مدل‌های کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، جونز (۱۹۹۱)، اسلوان و همکاران (۱۹۹۵) و کازنیک (۱۹۹۹) اندازه‌گیری می‌شود.	وابسته	AQ	کیفیت حسابرسی
به منظور سنجش این متغیر از رویکرد رتبه‌بندی ایتنر و همکاران (۱۹۹۷) استفاده می‌شود.	مستقل	STR	استراتژی تجاری شرکت
برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد روزهای مابین پایان سال مالی و امضای گزارش توسط حسابرس.	کنترلی	TIML	به موقع بودن اطلاعات
برابر است با فروش دوره جاری منهای فروش دوره قبل تقسیم بر فروش دوره قبل.	کنترلی	SG	رشد فروش
برابر است با انحراف استاندارد جریان نقد عملیاتی شرکت طی سه سال اخیر تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها در سال جاری.	کنترلی	CFVOL	نوسان جریان نقد
برابر است با انحراف استاندارد فروش شرکت طی سه سال اخیر تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها در سال جاری.	کنترلی	SALEVOL	نوسان فروش
چنانچه شرکت در دوره جاری متحمل زیان باشد برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر می‌باشد.	کنترلی	LOSS	متغیر مجازی زیان خالص
برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌های شرکت.	کنترلی	SIZE	اندازه شرکت
برابر است با نسبت وجه نقد به کل دارایی‌های شرکت.	کنترلی	CASH	نسبت موجودی نقد
برابر است با نسبت ارزش دفتری کل بدهی به ارزش دفتری کل دارایی.	کنترلی	LEV	نسبت بدهی
برابر است با نسبت سود خالص به ارزش دفتری کل دارایی.	کنترلی	ROA	نرخ بازده دارایی‌ها
برابر است با نسبت جریان نقد عملیاتی به ارزش دفتری کل دارایی.	کنترلی	OCF	جریان‌های نقدی عملیاتی
برابر است با نسبت دارایی جاری به کل بدهی جاری.	کنترلی	CURR	نسبت جاری
برابر است با نسبت ارزش بازار کل سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.	کنترلی	MB	فرصت‌های رشد شرکت
برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تاسیس تاکنون.	کنترلی	AGE	سن شرکت

۴-۳-۱- مدل‌های مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری

مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری به منظور اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری که معیاری معکوس برای سنجش کیفیت حسابرسی شرکت است، از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) استفاده شده است. رابطه (۳):

$$ACC_{ij,t} / TA_{ij,t-1} = a + \beta_1 1 / TA_{ij,t-1} + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC)_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \beta_3 PPE_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \beta_4 ROA_{ij,t-1} + \varepsilon$$

معادله فوق نشان‌دهنده برآورد ارقام تعهدی بر اساس مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) می‌باشد. در این رابطه $ACC_{ij,t}$ معرف ارقام تعهدی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان سود خالص و جریان نقد عملیاتی در دوره t). $\Delta REV_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای درآمد شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت درآمد شرکت i در دوره t و دوره $t-1$).

$\Delta REC_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای حساب‌ها و اسناد دریافتنی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان حساب‌ها و اسناد دریافتنی شرکت i در دوره t و دوره $t-1$). $PPE_{ij,t}$ معرف ارزش دفتری اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد. $ROA_{ij,t-1}$ معرف نرخ بازده دارایی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (نسبت سود عملیاتی شرکت در دوره t به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت در دوره $t-1$). $TA_{ij,t-1}$ معرف ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در دوره $t-1$ و در صنعت j می‌باشد. ε معرف ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کوتاری است (DACCI) که از آن بعنوان شاخصی معکوس از کیفیت حسابرسی استفاده می‌شود. یعنی هر چه باقیمانده مدل کمتر باشد، کیفیت حسابرسی شرکت بیشتر بوده است. علاوه بر مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)، از مدل‌های دیگری برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری در پژوهش حاضر استفاده شده است، که در ادامه به تبیین آنها پرداخته شده است. مدل جونز (۱۹۹۱) برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری:

رابطه (۴):

$$ACC_{ij,t} / TA_{ij,t-1} = a + \beta_1 1 / TA_{ij,t-1} + \beta_2 \Delta REV_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \beta_3 PPE_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \varepsilon$$

رابطه ۴ نشان‌دهنده برآورد ارقام تعهدی بر اساس مدل جونز (۱۹۹۱) می‌باشد در این رابطه $ACC_{ij,t}$ معرف ارقام تعهدی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان سود خالص و جریان نقد عملیاتی در دوره t)، $\Delta REV_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای درآمد شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت درآمد شرکت i در دوره t و دوره $t-1$)، $PPE_{ij,t}$ معرف ارزش دفتری اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد. $TA_{ij,t-1}$ معرف ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در دوره $t-1$ و در صنعت j می‌باشد. ε معرف باقیمانده مدل جونز (DAC2) و نشان‌دهنده ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل مذکور می‌باشد.

مدل اسلوان و همکاران (۱۹۹۵) برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری:

رابطه (۵):

$$ACC_{ij,t} / TA_{ij,t-1} = a + \beta_1 1 / TA_{ij,t-1} + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC)_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \beta_3 PPE_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \varepsilon$$

رابطه ۵ نشان‌دهنده برآورد ارقام تعهدی بر اساس مدل اسلوان و همکاران (۱۹۹۵) می‌باشد که به مدل جونز تعدیل شده نیز شهرت دارد. در این رابطه $ACC_{ij,t}$ معرف ارقام تعهدی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان سود خالص و جریان نقد عملیاتی در دوره t)، $\Delta REV_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای درآمد شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت درآمد شرکت i در دوره t و دوره $t-1$)، $\Delta REC_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای حساب‌ها و اسناد دریافتی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان حساب‌ها و اسناد دریافتی شرکت i در دوره t و دوره $t-1$)، $PPE_{ij,t}$ معرف ارزش دفتری اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد. $TA_{ij,t-1}$ معرف ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در دوره $t-1$ و در صنعت j می‌باشد. ε معرف باقیمانده مدل اسلوان و همکاران (DAC3) و نشان‌دهنده ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل مذکور می‌باشد.

مدل کازنیک (۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی اختیاری:

رابطه (۶):

$$ACC_{ij,t} / TA_{ij,t-1} = a + \beta_1 1 / TA_{ij,t-1} + \beta_2 (\Delta REV - \Delta REC)_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \beta_3 PPE_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \beta_4 \Delta CFO_{ij,t} / TA_{ij,t-1} + \varepsilon$$

رابطه ۶ نشان‌دهنده برآورد ارقام تعهدی بر اساس مدل کازنیک (۱۹۹۹) می‌باشد. در این رابطه $ACC_{ij,t}$ معرف ارقام تعهدی

شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان سود خالص و جریان نقد عملیاتی در دوره t)، $\Delta REV_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای درآمد شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت درآمد شرکت i در دوره t و دوره $t-1$)، $\Delta REC_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای حساب‌ها و اسناد دریافتی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان حساب‌ها و اسناد دریافتی شرکت i در دوره t و دوره $t-1$)، $PPE_{ij,t}$ معرف ارزش دفتری اموال و ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد. $\Delta CFO_{ij,t}$ معرف تغییرات دوره‌ای خالص جریان نقد عملیاتی شرکت i در دوره t و در صنعت j می‌باشد (تفاوت میان خالص جریان نقد عملیاتی شرکت i در دوره t و دوره $t-1$)، $TA_{ij,t-1}$ معرف ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در دوره $t-1$ و در صنعت j می‌باشد. ε معرف باقیمانده مدل کازنیک (DAC4) است و نشان‌دهنده ارقام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل مذکور می‌باشد.

۴-۳-۲- رویکرد ایتنر و همکاران (۱۹۹۷) برای تشخیص

استراتژی تجاری شرکت

به منظور عملیاتی نمودن متغیر استراتژی شرکت، بر اساس رویکرد ایتنر و همکاران (۱۹۹۷)، از ۵ متغیر شامل: میانگین نرخ رشد فروش در طول ۵ سال اخیر، میانگین درآمد سرانه کارکنان در طول ۵ سال اخیر، میانگین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در طول ۵ سال اخیر، میانگین نسبت هزینه عملیاتی به فروش شرکت در طول ۵ سال اخیر، میانگین نسبت دارایی‌های ثابت شرکت به کل دارایی‌ها در طول ۵ سال اخیر استفاده شده است. پس از اندازه‌گیری متغیرهای فوق در ارتباط با سال-شرکتهای پژوهش، مشاهدات از کوچک به بزرگ مرتب شده‌اند، سپس مشاهدات هر متغیر به ۵ دسته تقسیم می‌گردد. در ارتباط با ۴ پارامتر اول (میانگین نرخ رشد فروش در طول ۵ سال اخیر، میانگین درآمد سرانه کارکنان در طول ۵ سال اخیر، میانگین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری در طول ۵ سال اخیر، میانگین نسبت هزینه عملیاتی به فروش شرکت در طول ۵ سال اخیر)، مشاهداتی که در پنجک اول قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر با یک قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک دوم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر دو قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک سوم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر سه قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک چهارم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر چهار قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک پنجم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر پنج قرار می‌گیرد.

معیارهای اقلام تعهدی اختیاری (DACC) نشان می‌دهد که بطور میانگین میزان اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌های نمونه در دوره زمانی پژوهش (۱۳۸۹ الی ۱۳۹۷) برابر با ۰.۰۰۱ می‌باشد. آماره میانگین در ارتباط با متغیر نرخ بازده دارایی (ROA) نشان می‌دهد که بطور میانگین سود خالص شرکت‌های نمونه در دوره زمانی پژوهش برابر با ۱۱ درصد ارزش دفتری کل دارایی‌های آنها می‌باشد. آماره میانگین در ارتباط با متغیر نسبت بدهی (LEV) نشان می‌دهد که بطور میانگین ارزش دفتری بدهی‌های شرکت‌های نمونه در دوره زمانی پژوهش برابر با ۵۸ درصد ارزش دفتری کل دارایی‌های آنها می‌باشد. آماره میانگین در ارتباط با متغیر فرصت‌های رشد (MB) نشان می‌دهد که بطور میانگین ارزش بازار سهام شرکت‌های نمونه برابر با ۲.۵۵ برابر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام آنها می‌باشد. آماره میانگین در ارتباط با متغیر نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها (CASH) نشان می‌دهد که بطور میانگین میزان وجه نقد شرکت‌های نمونه برابر با ۴ درصد ارزش دفتری کل دارایی‌های آنها می‌باشد. آماره میانگین در ارتباط با متغیر جریان نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها (OCF) نشان می‌دهد که بطور میانگین میزان جریان نقد عملیاتی شرکت‌های نمونه برابر با ۱۲ درصد ارزش دفتری کل دارایی‌های آنها می‌باشد. آماره میانگین در ارتباط با متغیر نسبت نرخ رشد فروش (SG) نشان می‌دهد که بطور میانگین میزان رشد فروش دوره‌ای شرکت‌های نمونه برابر با ۲۲ درصد می‌باشد. آماره میانگین در ارتباط با متغیر نسبت جاری (CURR) نشان می‌دهد که بطور میانگین ارزش دفتری دارایی‌های جاری شرکت‌های نمونه، ۱.۶۲ برابر ارزش دفتری بدهی‌های جاری آنها می‌باشد. آماره بیشترین مقدار در ارتباط با متغیر نسبت بدهی (LEV) برابر با ۲.۰۷ می‌باشد که این مقدار متعلق به شرکت کمباین‌سازی ایران در سال ۱۳۹۱ است و نشان می‌دهد که شرکت فوق ورشکسته بوده و ارزش دفتری بدهی‌های آن دو برابر ارزش دفتری دارایی‌های آن است. آماره کمترین مقدار در ارتباط با متغیر فرصت‌های رشد (MB) برابر با ۰.۴۹- می‌باشد که این مقدار متعلق به شرکت دوده صنعتی پارس در سال ۱۳۹۶ می‌باشد که به علت ورشکستگی و منفی بودن ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، متغیر فرصت‌های رشد (MB) (نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) در ارتباط با این شرکت منفی بدست آمده است.

در ارتباط با پارامتر پنجم (میانگین نسبت دارایی‌های ثابت شرکت به کل دارایی‌ها در طول ۵ سال اخیر)، مشاهداتی که در پنجک اول قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر با ۵ قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک دوم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر ۴ قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک سوم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر ۳ قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک چهارم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر ۲ قرار می‌گیرد. مشاهداتی که در پنجک پنجم قرار می‌گیرند، نمره استراتژی آنها برابر ۱ قرار می‌گیرد. پس از رتبه‌بندی فوق، نمره استراتژی مبتنی بر هر یک از پارامترهای فوق، در ارتباط با هر یک از شرکت‌های نمونه در طول سال‌های پژوهش، بصورت سطری با یکدیگر جمع می‌شوند. حداکثر نمره نهایی استراتژی هر شرکت می‌تواند برابر با ۲۵، و حداقل آن می‌تواند برابر با ۵ باشد. شرکت‌هایی که نمره نهایی استراتژی تجاری آنها بالاتر از ۱۵ باشد، شرکت‌های دارای استراتژی فرصت‌طلبانه تلقی می‌شوند و متغیر STR در ارتباط با آنها برابر با یک می‌باشد و شرکت‌هایی که نمره استراتژی تجاری آنها کمتر از ۱۵ باشد، متغیر STR در ارتباط با آنها برابر با صفر خواهد بود (ایتنر و همکاران، ۱۹۹۷).

۵- یافته‌های پژوهش

۵-۱- آمار توصیفی

در این بخش از پژوهش به ارائه آمار توصیفی در ارتباط با متغیرهای پژوهش، مقایسه میانگین دو جامعه آماری، ماتریس همبستگی میان متغیرها، بررسی مانایی متغیرهای پژوهش، و بررسی نرمال بودن متغیر وابسته پژوهش پرداخته می‌شود. جدول ۲ تحت عنوان آمار توصیفی نشان دهنده مهمترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی شامل: میانگین، میانه، بیشترین مقدار، کمترین مقدار، ضریب چولگی، ضریب کشیدگی، انحراف استاندارد و تعداد مشاهدات در ارتباط با متغیرهای پژوهش می‌باشد. با توجه به جدول ۲ آماره میانگین در ارتباط با متغیرهای مصنوعی نشان دهنده درصد فراوانی این متغیرها می‌باشد. با توجه به جدول ۲ آماره میانگین در ارتباط با متغیر مصنوعی استراتژی تجاری شرکت (STR) نشان می‌دهد که بطور میانگین ۷۲ درصد از شرکت‌های نمونه در دوره زمانی پژوهش از استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه استفاده کرده‌اند. آماره میانگین در ارتباط با متغیر مصنوعی زیان خالص (LOSS) نشان می‌دهد که بطور میانگین ۱۲ درصد از شرکت‌های نمونه در دوره زمانی پژوهش متحمل زیان خالص شده‌اند. آماره میانگین در ارتباط با

جدول ۲: آمار توصیفی برای متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف استاندارد	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی	تعداد مشاهدات
اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کوتاری و همکاران	DACC1	0,001	0,003	0,603	-0,470	0,118	0,274	6,347	675
اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل جونز	DACC2	0,001	-0,001	0,828	-0,586	0,138	0,667	9,165	675
اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل اسلوان و همکاران	DACC3	0,001	0,000	0,833	-0,594	0,139	0,658	9,272	675
اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کازنیک	DACC4	0,001	-0,001	0,823	-0,564	0,137	0,633	9,016	675
متغیر مصنوعی استراتژی فرصت‌طلبانه شرکت	STR	0,721	1,000	1,000	0,000	0,449	-0,988	1,976	675
اندازه شرکت i در دوره t	SIZE	13,523	13,654	16,240	10,031	1,123	-0,317	2,883	675
نرخ بازده دارایی شرکت i در دوره t	ROA	0,112	0,097	0,627	-0,370	0,135	0,480	4,493	675
نسبت بدهی شرکت i در دوره t	LEV	0,585	0,586	2,078	0,061	0,226	1,242	5,455	675
فرصت‌های رشد شرکت i در دوره t	MB	2,557	2,145	49,704	-49,704	4,267	-1,398	6,802	675
نسبت جاری شرکت i در دوره t	CURR	1,622	1,294	13,151	0,223	1,317	4,443	3,299	675
نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها	CASH	0,042	0,027	0,461	0,000	0,049	3,161	5,646	675
جریان نقد عملیاتی شرکت i در دوره t	OCF	0,121	0,107	0,642	-0,460	0,135	0,442	4,681	675
نرخ رشد فروش شرکت i در دوره t	SG	0,225	0,150	6,560	-0,830	0,509	4,110	5,788	675
نوسان فروش شرکت i در دوره t	SALEVOL	1,230	0,184	84,464	0,010	6,405	4,463	4,396	675
نوسان جریان نقد عملیاتی شرکت i در دوره t	CFVOL	0,299	0,072	15,524	0,003	1,347	4,023	5,869	675
به موقع بودن ارائه اطلاعات	TIML	4,407	4,511	4,605	1,866	0,277	-3,503	5,039	675
سن شرکت i در دوره t	AGE	3,562	3,689	4,205	2,079	0,413	-0,822	2,938	675
زیان‌ده بودن شرکت i در دوره t	LOSS	0,120	0,000	1,000	0,000	0,325	2,339	6,470	675

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تحقیق پشتیبانی می‌کند و نشان می‌دهد که اقدام تعهدی اختیاری در ارتباط با شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه، بیشتر از شرکت‌های دارای استراتژی تجاری تدافعی می‌باشد.

یکی از پیش‌فرض‌های مدل رگرسیون خطی، عدم وجود همبستگی شدید میان جملات توضیحی (متغیرهای مستقل و کنترلی) آن بصورت جفتی می‌باشد (افلاطونی، ۱۳۹۲). با توجه به جدول ۴ همانطور که ملاحظه می‌گردد ضریب همبستگی میان تمام متغیرهای توضیحی (مستقل و کنترلی) پژوهش که در یک مدل بطور همزمان تصریح شده‌اند، کمتر از ۶۰ درصد می‌باشد. بنابراین مشکل همبستگی شدید میان جملات

جدول ۳ نشان‌دهنده یافته‌های حاصل از آزمون T مستقل، به منظور مقایسه میانگین معیارهای اقدام تعهدی اختیاری، بین شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه و شرکت‌های دارای استراتژی تجاری تدافعی است. همانطور که ملاحظه می‌گردد، سطح معنی‌داری آماری T در ارتباط با اختلاف میانگین تمامی معیارهای اقدام تعهدی اختیاری، برابر با ۰.۰۰ می‌باشد که این مقدار کمتر از سطوح ۰.۰۵، ۰.۰۱ و ۰.۰۰۱ می‌باشد. شواهد فوق نشان می‌دهد که تفاوت میانگین معیارهای اقدام تعهدی اختیاری در بین دو گروه شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه و شرکت‌های دارای استراتژی تجاری تدافعی، معنی‌دار می‌باشد. شواهد فوق از استدلال نظری

توضیحی پژوهش وجود ندارد، و پیش فرض عدم وجود همبستگی شدید میان جملات توضیحی مدل های پژوهش تایید می شود و می توان در مدل های رگرسیون پژوهش از این متغیرها بطور همزمان به عنوان متغیرهای توضیحی (مستقل و کنترلی) استفاده نمود.

جدول ۳: آزمون T مستقل به منظور مقایسه میانگین ارقام تعهدی اختیاری

متغیر	آماره T	سطح معنی داری	نتیجه
DACC1	-۴.۵۶	۰.۰۰	تفاوت میانگین معنی دار است
DACC2	-۴.۴۷	۰.۰۰	تفاوت میانگین معنی دار است
DACC3	-۴.۶۷	۰.۰۰	تفاوت میانگین معنی دار است
DACC4	-۴.۶۴	۰.۰۰	تفاوت میانگین معنی دار است

جدول ۴: ماتریس همبستگی پیرسون میان متغیرهای پژوهش

متغیر	DACC1	DACC2	DACC3	DACC4	STR	SIZE	ROA	LEV	MB
DACC1	1,000								
سطح معنی داری	-----								
DACC2	0,846	1,000							
سطح معنی داری	0,000	-----							
DACC3	0,851	0,994	1,000						
سطح معنی داری	0,000	0,000	-----						
DACC4	0,828	0,983	0,989	1,000					
سطح معنی داری	0,000	0,000	0,000	-----					
STR	0,037	0,169	0,176	0,175	1,000				
سطح معنی داری	0,038	0,000	0,000	0,000	-----				
SIZE	0,030	0,005	0,004	0,017	0,100	1,000			
سطح معنی داری	0,031	0,092	0,022	0,069	0,009	-----			
ROA	0,004	0,496	0,517	0,534	0,264	0,108	1,000		
سطح معنی داری	0,920	0,000	0,000	0,000	0,000	0,005	-----		
LEV	-0,083	-0,394	-0,393	-0,388	-0,202	0,073	-0,591	1,000	
سطح معنی داری	0,032	0,000	0,000	0,000	0,000	0,060	0,000	-----	
MB	0,066	0,123	0,125	0,127	0,240	-0,126	0,112	-0,123	1,000
سطح معنی داری	0,090	0,001	0,001	0,001	0,000	0,001	0,004	0,001	-----
CURR	0,080	0,273	0,271	0,267	0,091	-0,133	0,397	-0,589	0,014
سطح معنی داری	0,037	0,000	0,000	0,000	0,018	0,001	0,000	0,000	0,724
CASH	-0,190	-0,073	-0,061	-0,071	0,022	-0,163	0,220	-0,161	0,060
سطح معنی داری	0,000	0,058	0,116	0,064	0,575	0,000	0,000	0,000	0,121
OCF	-0,874	-0,527	-0,512	-0,484	0,112	0,101	0,454	-0,198	0,000
سطح معنی داری	0,000	0,000	0,000	0,000	0,067	0,009	0,000	0,000	0,996
SG	0,130	0,099	0,175	0,176	-0,008	-0,062	0,222	-0,070	0,067
سطح معنی داری	0,001	0,010	0,000	0,000	0,830	0,109	0,000	0,071	0,082
SALEVOL	-0,010	0,005	-0,002	0,016	-0,217	-0,295	-0,027	-0,020	-0,006
سطح معنی داری	0,802	0,903	0,968	0,676	0,000	0,000	0,493	0,601	0,886
CFVOL	0,011	0,020	0,013	0,027	-0,225	-0,301	-0,039	0,002	0,018
سطح معنی داری	0,778	0,605	0,729	0,486	0,000	0,000	0,311	0,966	0,641
TIML	-0,007	0,094	0,100	0,098	0,095	0,153	0,221	-0,228	0,033
سطح معنی داری	0,853	0,014	0,009	0,011	0,014	0,000	0,000	0,000	0,396
AGE	0,094	0,100	0,100	0,093	0,093	0,049	0,040	-0,248	0,054
سطح معنی داری	0,015	0,010	0,009	0,016	0,016	0,206	0,303	0,000	0,161

متغیر	DACC1	DACC2	DACC3	DACC4	STR	SIZE	ROA	LEV	MB
LOSS	-0,063	-0,323	-0,332	-0,339	-0,083	-0,134	-0,541	0,328	-0,065
سطح معنی داری	0,104	0,000	0,000	0,000	0,033	0,000	0,000	0,000	0,091

ادامه جدول ۴:

متغیر	CURR	CASH	OCF	SG	SALEVOL	CFVOL	TIML	AGE	LOSS
CURR	1,000								
سطح معنی داری	-----								
CASH	0,137	1,000							
سطح معنی داری	0,000	-----							
OCF	0,063	0,256	1,000						
سطح معنی داری	0,103	0,000	-----						
SG	0,110	0,087	0,039	1,000					
سطح معنی داری	0,004	0,025	0,309	-----					
SALEVOL	0,014	-0,013	-0,021	-0,039	1,000				
سطح معنی داری	0,718	0,730	0,595	0,312	-----				
CFVOL	-0,008	-0,020	-0,041	-0,036	0,507	1,000			
سطح معنی داری	0,839	0,610	0,290	0,357	0,000	-----			
TIML	0,156	0,027	0,109	0,052	-0,108	-0,143	1,000		
سطح معنی داری	0,000	0,491	0,005	0,178	0,005	0,000	-----		
AGE	0,196	0,027	-0,067	0,066	-0,016	-0,022	0,038	1,000	
سطح معنی داری	0,000	0,489	0,083	0,086	0,683	0,574	0,328	-----	
LOSS	-0,157	-0,014	-0,196	-0,113	0,014	0,024	-0,185	-0,023	1,000
سطح معنی داری	0,000	0,712	0,000	0,003	0,714	0,538	0,000	0,555	-----

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

است. با توجه به جدول ۶ همانطور که ملاحظه می‌گردد سطح معنی داری آماره جارکو-برا کوچکتر از ۵ درصد است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای وابسته نرمال نیست. با این وجود طبق قضیه حد مرکزی، به دلیل زیاد بودن حجم داده‌ها (۶۷۵ سال-شرکت) نرمال نبودن متغیر وابسته مشکل خاصی را در روند تحلیل و بکارگیری روش رگرسیون خطی (LS) ایجاد نمی‌کند.

به منظور بررسی مانایی متغیرهای پژوهش از آزمون ریشه واحد هادری استفاده شده است. با توجه به جدول ۵ همانطور که ملاحظه می‌گردد سطح معنی داری آماره Z آزمون هادری، برای تمام متغیرهای پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد، و این شواهد نشان می‌دهد که مشکل ریشه واحد برای هیچ یک از متغیرها وجود ندارد. از این رو می‌توان ادعا نمود که تمام متغیرهای مورد استفاده در مدل‌های رگرسیونی پژوهش در بازه زمانی پژوهش، مانا (ایستا) هستند.

همچنین به منظور بررسی نرمال بودن داده‌های مربوط به متغیرهای وابسته پژوهش از آزمون جارکو-برا استفاده شده

جدول ۵: بررسی مانایی متغیرهای پژوهش (آزمون ریشه واحد هادری)

نتیجه	مقایسه با ۵ درصد	سطح معنی داری	آماره Z	نماد	متغیر
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۸.۲۷	DACC1	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کوتاری و همکاران
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۸.۳۹	DACC2	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل جونز
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۷.۸۵	DACC3	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل اسلوان و همکاران
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۷.۵۲	DACC4	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کازنیک
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۷.۳۴	STR	متغیر مصنوعی استراتژی فرصت طلبانه شرکت
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۱۴.۷۶	SIZE	اندازه شرکت i در دوره t

نتیجه	مقایسه با ۵ درصد	سطح معنی داری	آماره Z	نماد	متغیر
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۵.۹۳	ROA	نرخ بازده دارایی شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۱۱.۰۴	LEV	نسبت بدهی شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۱۰.۳۴	MB	فرصت‌های رشد شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۷.۹۵	CURR	نسبت جاری شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۴.۵۲	CASH	نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۷.۳۳	OCF	جریان نقد عملیاتی شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۶.۷۱	SG	نرخ رشد فروش شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۱۱.۴۳	SALEVOL	نوسان فروش شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۱۱.۵۴	CFVOL	نوسان جریان نقد عملیاتی شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۹.۹۹	TIML	به موقع بودن ارائه اطلاعات
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۱۵.۲۵	AGE	سن شرکت i در دوره t
متغیر مانا است	کوچکتر	0.00	۴.۳۱	LOSS	زیان‌ده بودن شرکت i در دوره t

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۶: یافته‌های حاصل از آزمون جارکو-برا

نتیجه آزمون	مقایسه با ۵ درصد	سطح معنی داری	آماره جارکو-برا	نماد	متغیر
نرمال نیست	کوچکتر	۰.۰۰	۳۲۳	DACC1	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کوتاری و همکاران
نرمال نیست	کوچکتر	۰.۰۰	۱۱۱۸	DACC2	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل جونز
نرمال نیست	کوچکتر	۰.۰۰	۱۱۵۴	DACC3	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل اسلوان و همکاران
نرمال نیست	کوچکتر	۰.۰۰	۱۰۶۳	DACC4	اقدام تعهدی اختیاری مبتنی بر مدل کازنیک

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲- آمار استنباطی

۵-۲-۱- تعیین شیوه برآورد مدل‌های پژوهش

مناسب به منظور برآورد مدل‌های پژوهش، روش پانل می‌باشد، از سوی دیگر سطح معنی داری آماره خی دو آزمون هاسمن در ارتباط با مدل‌های پژوهش نیز برابر با صفر می‌باشد که این مقدار نیز کمتر از ۵ درصد می‌باشد، بنابراین روش نهایی به منظور برآورد مدل‌های پژوهش روش پانل-اثرات ثابت می‌باشد.

با توجه به جدول ۷ همانطور که ملاحظه می‌گردد سطح معنی داری آماره F آزمون لیمر در ارتباط با مدل‌های پژوهش برابر با صفر می‌باشد که این مقدار کمتر از ۵ درصد است، بنابراین روش

جدول ۷: یافته‌های حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

مدل / آزمون	۱	۲	۳	۴
آماره F آزمون لیمر	۵۰۶	۶۰۹	۷۸۸	۳۴۹
سطح معنی داری	0.00	0.00	0.00	0.00
مقایسه با ۵ درصد	کوچکتر	کوچکتر	کوچکتر	کوچکتر
نتیجه آزمون لیمر (روش برآورد مدل)	پانل (ترکیبی)	پانل (ترکیبی)	پانل (ترکیبی)	پانل (ترکیبی)
آماره Chi-Sq آزمون هاسمن	۵۴	۵۴	۶۴	۴۴
سطح معنی داری	0.00	0.00	0.00	0.00
مقایسه با ۵ درصد	کوچکتر	کوچکتر	کوچکتر	کوچکتر
نتیجه آزمون هاسمن (روش برآورد مدل)	اثرات ثابت	اثرات ثابت	اثرات ثابت	اثرات ثابت
نتیجه نهایی (روش نهایی برآورد مدل‌های پژوهش)	پانل-اثرات ثابت	پانل-اثرات ثابت	پانل-اثرات ثابت	پانل-اثرات ثابت

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵-۲-۲- برآورد مدل‌های پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش

۵-۲-۲-۱- بررسی تاثیر استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه بر معیارهای اقلام تعهدی اختیاری

جدول ۸ نشان دهنده برآورد معیارهای مختلف اقلام تعهدی اختیاری (مدل ۲)، به روش پانل-اثرات ثابت می‌باشد. سطح معنی‌داری آماره جارکو-برا در ارتباط با مدل‌های برآورد شده کمتر از ۵ درصد می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که توزیع باقیمانده‌های مدل نرمال نیست. با این وجود به دلیل کفایت تعداد مشاهدات (۶۷۵ سال-شرکت) و طبق قضیه حد مرکزی نرمال نبودن باقیمانده‌ها اعتبار یافته‌های حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. همچنین به دلیل همسان نبودن واریانس باقیمانده‌ها، مدل ۲ به روش وایت اصلاح شده است. مقدار آماره دوربین-واتسون در ارتباط با مدل‌های برآورد شده، بین ۱.۵ تا ۲.۵ می‌باشد. این موضوع نشان می‌دهد که خطاهای مدل‌های برآورد شده از یکدیگر مستقل هستند.

سطح معنی‌داری آماره F فیشر در ارتباط با مدل‌های برآورد شده برابر با ۰.۰۰ می‌باشد، که این مقدار کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد، این موضوع نشان می‌دهد که مدل‌های برآورد شده معنی‌دار (خطی) می‌باشند. با توجه به جدول ۸ همانطور که ملاحظه می‌گردد سطح معنی‌داری آماره T (P-Value)، برای ضرایب متغیر مستقل استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه (STR)، به ترتیب برابر با ۰.۰۰۴، ۰.۰۰۳۱، ۰.۰۰۰۰ و ۰.۰۰۰۰ می‌باشد که این مقادیر در سطوح ۰.۰۵، ۰.۱۰ و ۰.۰۱ معنی‌دار هستند ($Pvalue < 0.10$). بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که متغیر مستقل استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه (STR) بطور مثبت و معنی‌داری با معیارهای اقلام تعهدی اختیاری (DACC1, DACC2, DACC3, DACC4) مرتبط می‌باشند. این یافته‌ها، شواهدی را در راستای تایید فرضیه اصلی پژوهش و فرضیه‌های فرعی پژوهش فراهم می‌نمایند، یعنی بکارگیری استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه موجب افزایش اقلام تعهدی اختیاری و کاهش کیفیت حساسی صورت‌های مالی می‌شود.

جدول ۸: یافته‌های حاصل از برآورد مدل ۲ به شیوه پانل-اثرات ثابت / متغیر وابسته: AQ

متغیر	نماد	DACC1		DACC2		DACC3		DACC4	
		Coef	P-value	Coef	P-value	Coef	P-value	Coef	P-value
عرض از مبدا	(a)	0,083	0,000	-0,134	0,068	0,085	0,000	0,053	0,094
استراتژی تجاری فرصت‌طلبانه	STR	0,005	0,004	0,005	0,031	0,010	0,000	0,010	0,000
اندازه شرکت	SIZE	0,002	0,002	0,008	0,001	-0,001	0,021	0,001	0,359
نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها	CASH	-0,038	0,000	-0,065	0,000	-0,084	0,000	-0,128	0,000
نسبت بدهی به کل دارایی‌ها	LEV	-0,033	0,000	-0,045	0,000	-0,050	0,000	-0,039	0,000
نرخ بازده دارایی	ROA	0,420	0,000	0,949	0,000	0,952	0,000	0,962	0,000
نسبت جریان نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها	OCF	-0,963	0,000	-1,000	0,000	-0,965	0,000	-0,930	0,000
نسبت جاری	CURR	-0,007	0,000	-0,004	0,000	-0,009	0,000	-0,008	0,000
فرصت‌های رشد شرکت	MB	-0,000	0,962	0,000	0,539	0,000	0,362	0,000	0,028
نرخ رشد فروش	SG	0,017	0,000	-0,019	0,000	0,002	0,287	0,003	0,433
نوسان فروش شرکت	SALEVOL	-0,000	0,000	-0,001	0,014	-0,001	0,000	-0,000	0,939
نوسان جریان نقد عملیاتی	CFVOL	0,001	0,015	0,003	0,008	0,004	0,000	0,002	0,493
به موقع بودن ارائه اطلاعات	TIML	-0,003	0,350	-0,002	0,586	-0,005	0,196	-0,006	0,302
سن شرکت	AGE	-0,002	0,153	0,023	0,176	-0,001	0,240	-0,002	0,523
متغیر مصنوعی زیان‌ده بودن شرکت	LOSS	0,001	0,524	-0,004	0,116	0,002	0,516	0,004	0,227
تعداد مشاهدات	OBS	۶۷۵		۶۷۵		۶۷۵		۶۷۵	
آماره فیشر (F)	F-Stat	۱۸۲۷		۵۱۵		۱۲۲۶		۶۷۵	
ضریب تعیین	R	۰.۵۷		۰.۵۸		۰.۵۷		۰.۵۵	
آماره دوربین-واتسون	DW	۱.۹		۱.۶		۱.۷		۱.۷	
آماره جارکو-برا	JB	۱۶۶		۸۲		۶۹		۵۱۰۳	

*منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- نتیجه‌گیری و بحث

در پژوهش حاضر به بررسی تجربی تاثیر استراتژی تجاری فرصت طلبانه بر کیفیت حسابرسی در ارتباط با ۷۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (TSE) در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۷ هجری شمسی پرداخته شد. پرسش پژوهش حاضر این است که آیا به لحاظ تجربی، کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی، برای شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت طلبانه کمتر از سایر شرکت‌ها است یا خیر.

در راستای پاسخ‌گویی به پرسش فوق با استفاده از مدل رگرسیون خطی چندگانه، تاثیر متغیر مستقل استراتژی تجاری فرصت طلبانه بر معیارهای مختلف اقلام تعهدی اختیاری، مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها و نتایج آماری حاصل از برآورد مدل پژوهش، نشان می‌دهد که متغیر مستقل استراتژی تجاری فرصت طلبانه، دارای اثری مستقیم و مثبت بر معیارهای مختلف اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد. این موضوع به این معنی است که هر چه سطح استراتژی تجاری فرصت طلبانه افزایش یابد، اقلام تعهدی اختیاری که شاخصی از مدیریت سود است، افزایش می‌یابد. به بیان دیگر استراتژی تجاری فرصت طلبانه موجب کاهش کیفیت حسابرسی خواهد شد. همچنین یافته‌های حاصل از آزمون T مستقل نشان می‌دهد که میانگین معیارهای اقلام تعهدی اختیاری در ارتباط با شرکت‌هایی که از استراتژی تجاری فرصت طلبانه استفاده می‌کنند، بطور معنی‌داری بیشتر از شرکت‌های دارای استراتژی تجاری تدافعی می‌باشد. با توجه به یافته‌های بدست آمده، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که شرکت‌های صاحب‌کاری که از استراتژی تجاری فرصت طلبانه استفاده می‌کنند، تلاش می‌کنند تا از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری، سودآوری خود را بیش از حد نشان دهند، که این موضوع موجب کاهش محافظه‌کاری در گزارشگری سود (کاهش کیفیت سود)، می‌گردد و در نتیجه کیفیت اطلاعات حسابداری این شرکت‌ها کاهش می‌یابد. دی آنجلو (۱۹۸۶)، برای نخستین بار اقلام تعهدی اختیاری را بعنوان یک معیار عملیاتی معکوس برای کیفیت حسابرسی معرفی نمود. از این رو بالا بودن اقلام تعهدی اختیاری، که بر اساس داده‌های حسابرسی شده اندازه‌گیری می‌شود را می‌توان مصداقی از سطح پایین کیفیت حسابرسی شرکت‌های صاحب‌کار تلقی نمود. با توجه به یافته‌های حاصل از تحلیل‌های آماری انجام شده در پژوهش حاضر، و با توجه به ارتباط معکوس میان اقلام تعهدی اختیاری و کیفیت حسابرسی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی، برای شرکت‌هایی که از استراتژی تجاری فرصت طلبانه استفاده می‌کنند، کمتر از سایر شرکت‌ها می‌باشد. علت این موضوع، این است که بکارگیری استراتژی

فرصت طلبانه مستلزم صرف هزینه‌های قابل توجهی در حوزه تحقیق و توسعه و بازاریابی می‌باشد، و از آنجا که اغلب این موارد اختیاری هستند و موجب کاهش سودآوری شرکت در کوتاه‌مدت می‌شوند، به همین دلیل انگیزه بیش‌نمایی سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری افزایش می‌یابد، که در نتیجه این فرآیند کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی کاهش خواهد یافت. لازم به توضیح است که طبق مبانی نظری، انتخاب استراتژی تجاری فرصت طلبانه، موجب افزایش اقلام تعهدی اختیاری می‌شود تا بدین وسیله سودآوری شرکت افزایش یابد. مطابق با تحقیقات انجام شده از جمله تحقیق چن و همکاران (۲۰۱۷) و بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) می‌توان گفت که انتخاب استراتژی تجاری فرصت طلبانه موجب کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود، از این رو تفسیر آماری با تفسیر تئوری مطابقت دارد.

یافته‌های تجربی پژوهش حاضر با مبانی نظری پژوهش (نظریه رقابت و نظریه حسابرسی مبتنی بر ریسک)، منطبق می‌باشد. همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، با یافته‌ها و نتایج پژوهش‌های داخلی قابل مقایسه نیست زیرا در پژوهش حاضر برای نخستین بار به بررسی تجربی تاثیر نوع استراتژی تجاری شرکت بر کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی پرداخته شده است. از میان پژوهش‌های خارجی نیز، یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های حاصل از پژوهش فرانسویس و همکاران (۱۹۹۹) و بنتلی و همکاران (۲۰۱۳) منطبق می‌باشد زیرا یافته‌های حاصل از پژوهش این محققین نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای استراتژی تجاری فرصت طلبانه از کیفیت حسابرسی پایین‌تری برخوردار هستند.

با توجه به یافته‌ها و نتایج پژوهش حاضر، به تمام حسابرسان مستقل پیشنهاد می‌شود تا در زمینه رسیدگی به داده‌های حسابداری شرکت‌های صاحب‌کار، به نوع استراتژی این شرکت‌ها در حوزه رقابت توجه نمایند و بدین ترتیب از طریق افزایش دامنه رسیدگی برای شرکت‌هایی که از استراتژی تجاری فرصت طلبانه استفاده می‌کنند، اقلام تعهدی اختیاری این شرکت‌ها و ریسک اطلاعاتی برای سهامداران را کاهش دهند.

فهرست منابع

- * افلاطونی، عباس (۱۳۹۲)، تجزیه و تحلیل آماری با EViews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، تهران: انتشارات ترمه.
- * اورادی، جواد؛ نصیرزاده، فرزانه و حصارزاده، رضا (۱۳۹۵)، تاثیر رقابت در بازار حسابرسی بر کیفیت حسابرسی: نقش اندازه بازار حسابرسی، همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۵، دوره ۱.

- Reporting Quality. AUDITING: A Journal of Practice & Theory.
- * Bentley, K., T. C. Omer, and N. Sharp. 2013. Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary Accounting Research* 30 (1): 780–817.
- * Chen, H., Chen, J.Z., Lobo, G.J. & Wang, Y. (2011), "Effects of Audit Quality on Earnings Management and Cost of Equity Capital: Evidence from China", *Contemporary Accounting Research*, 28 (3), PP. 892–925.
- * Chen, Y., Eshleman, J., Soileau, J. (2017), "Business Strategy and Auditor Reporting", *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 36, No. 2, PP. 63-86.
- * DeAngelo, L. (1981), "Auditor Size and Audit Quality", *Journal of Accounting and Economics*, 3, PP. 297-322.
- * DeAngelo, L.E., (1986), "Accounting numbers as market valuation substitutes: a study of management buyouts of public stockholders", *Account. Rev.* 400-420.
- * Dechow Patricia, Sloan Richard and Sweeney Amy P. (1995). "Detecting earnings management", *The Accounting Review*, 70, 2 (April): 193–225.
- * Dehkordi, H.J., Makarem, N. (2011), "The Effect of Size and Type of Auditor on Audit Quality", *International Research Journal of Finance and Economics*, (80), PP. 121-137.
- * Effiong, Sunday A, Asuquo. Akabom I & Enya. Ejabu Fidelis. (2020). "Discretionary Accruals and Going Concern of Manufacturing Companies", *INTERNATIONAL JOURNAL OF SCIENTIFIC & TECHNOLOGY RESEARCH VOLUME 9, ISSUE 02*.
- * Eshleman, J. D., and P. Guo. 2014. Do Big 4 auditors provide higher audit quality after controlling for the endogenous choice of auditor? *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 33 (4): 197–219.
- * Francis, J. R., and J. Krishnan. 1999. Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research* 16 (1): 135–165.
- * Ittner, C. D., D. F. Larcker, and M. V. Rajan. 1997. The choice of performance measures in annual bonus contracts. *The Accounting Review* 72 (2): 231–55.
- * Johnstone, K. 2000. Client-acceptance decisions: Simultaneous effects of client business risk, audit risk, auditor business risk, and risk adaptation. *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 19 (1): 1–25.
- * Jones, Jennifer J. (1991). "Earnings management during import relief investigations", *Journal of Accounting Research*, 29, 2 (Autumn): 193–228.
- * Kasznik Ron (1999). "On the association between voluntary disclosure and earnings management", *Journal of Accounting Research*, 37: 57–81.
- * Kothari, S., Leone, A. & Wasley, C., 2005. Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 163–197.
- * Lawrence, A., Minutti-Meza, M. & Zhang, P. (2011), "Can Big 4 versus non-Big 4 Difference in Audit-Quality Proxies Be Attributed to Client
- * بنی‌مهد، بهمن؛ حساس‌یگانه، یحیی و یزدانیان، نرگس (۱۳۹۳)، مدیریت سود و اظهارنظر حسابرسان: شواهدی از بخش خصوصی حسابرسان، فصلنامه علمی- پژوهشی حسابداری مدیریت، تابستان ۱۳۹۳، دوره هفتم، شماره ۲، ص ص ۱۷ تا ۳۲.
- * بنی‌مهد، بهمن؛ دیبانتی‌دیلیمی، زهرا و روستایی، الهام (۱۳۹۴)، رابطه بین استراتژی تجاری شرکت و سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، بهار ۱۳۹۴، شماره ۲۵، ص ص ۱۲۳ تا ۱۵۶.
- * پزشکیان، سیدعلیرضا و حسینی، سیدمهدی (۱۳۹۶)، بررسی رابطه مدت تصدی حسابرسان با کیفیت حسابرسان، دانش حسابرسان، تابستان ۱۳۹۶، سال هفدهم، شماره ۶۷، ص ص ۲۳۵ تا ۲۶۴.
- * حاجیهها، زهره (۱۳۹۸)، راهبرد تجاری، ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی و تاخیر انتشار گزارش حسابرسان، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، بهار ۱۳۹۸، دوره هشتم، شماره ۳، ص ص ۱۵۳ تا ۱۷۹.
- * سلطانیان، حمید؛ مرادی، مهدی و جباری، مهدی (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان و کیفیت حسابرسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام رضا (ع).
- * شمس‌زاده، باقر؛ سیف، اصغر و داوودآبادی فراهانی، حسن (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین ویژگی‌های موسسه حسابرسان و شرکاء حسابرسان با کیفیت حسابرسان، مجله علمی- پژوهشی دانش حسابداری مالی، بهار ۱۳۹۵، دوره سوم، شماره ۱، ص ص ۱۳۵ تا ۱۵۶.
- * فرجی‌امیری، کیوان؛ هاشمی، هادی و امینی‌مهر، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، مطالعه تاثیر رقابت حق‌الزحمه حسابرسان مستقل بر کیفیت حسابرسان و گزارشگری مالی در بخش خصوصی و دولتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور استان تهران.
- * Abedalqader, A. Al; Al Issa.R. T. I. and R. A. Ata Baker (2011). Do audit tenure and firm size contribute to audit quality? Empirical evidence from Jordan. *Managerial Auditing Journal*. Vol. 26, No. 4, pp. 317334.
- * Anton, S. G., & Carp, M. (2020). The effect of discretionary accruals on firm growth. Empirical evidence for SMEs from emerging Europe. *Journal of Business Economics and Management*, 21(4), 1128-1148.
- * Bentley, K.A., Newton. Nathan J., and Anne M. Thompson. (2017). *Business Strategy, Internal Control Over Financial Reporting, and Audit*

- Characteristics?", *The Accounting Review*, 86 (1), PP. 259-286.
- * Leventis, s., dimitropoulos, p.e. (2010). " Audit Pricing, Quality of Earnings and Board Independence: The Case of the Athens Stock Exchange". *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* 26. 325-332.
 - * Miles, R. E., and C. C. Snow. 1978. *Organizational Strategy, Structure, and Process*. Stanford, CA: Stanford University Press.
 - * Miles, R. E., and C. C. Snow. 2003. *Organizational Strategy, Structure, and Process*. Stanford, CA: Stanford University Press.
 - * Mostafa, Wael. (2020). "Operating performance and manipulation of accruals", *Management Science Letters*. PP. 985-994.
 - * Nurul Houqe, M., Kerr, M. and Monem, M. (2013). *Business Strategy and Earnings Quality*. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2198626>.
 - * Sukma, Paradisa & Bernawati, Yustrida. (2019). "The Impact of Audit Committe Characteristics on Audit Quality", *Jurnal Akuntansi: Faculty of Economic and Business, University of Airlangga, Surabaya*, Volume XXIII, No. 03: 363-378.
 - * Tsipouridou, M. and Spathis, Ch., (2014), "Audit Opinion and EarningsManagement: Evidence from Greece", *Accounting Forum*, Vol. 38, No. 1, PP. 38-52.
 - * Wijaya, Anggita Langgeng. (2020). "The Effect of Audit Quality on Firm Value: A Case in Indonesian Manufacturing Firm", *Journal of Accounting, Finance and Auditing Studies*, 6.1. PP. 1-15.



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 11/ No. 44/ Winter 2023

Business Strategy and the Audit Quality of Financial Statement based on Competition Theory (Experimental Evidence: Tehran Stock Exchange)

Elahe Mahdavi Sabet

PhD Student in Accounting, School of Management and Economics, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Hamidreza Vakilifard

Associate Professor and Faculty Member, School of Management and Economics, Islamic Azad University Science and Research Branch, Tehran, Iran “Corresponding author”.

Ahmad Yaghoobnezhad

Associate Professor and Faculty Member, School of Management and Economics, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The main purpose of this study is to examine empirically and determine the effect of prospective business strategy on audit quality in the context of competition theory and risk-based audit theory. The statistical population of the present study is Tehran Stock Exchange. 75 companies were selected as sample of the study from 2010 to 2019. Multivariate linear least squares (LS) method with Fixed-effects panel approach was used for statistical analysis. To measure audit quality, the discretionary accruals criterion based on the models of Kothari et al. (2005), Jones (1991), Sloan et al. (1995) and Kasznik (1999) is used. The findings of the research data analysis show that the artificial variable of prospective business strategy is positively and significantly correlated with discretionary accruals criteria. Based on these findings, it can be concluded that the quality of auditing of financial statements is lower for companies with prospective business strategies than for other companies. The findings and results of the present study provide, for the first time, evidence on the empirical relationship between firm's business strategy and audit quality. Therefore, the findings of the present study can be used in the context of legislation in the audit profession.

Keywords: Audit Quality, Discretionary Accruals, Prospective Business Strategy, Competition Theory, Risk-based Audit Theory.

